

۳. مبانی نظری تحقیق

از گذشته‌های دور تاکنون از محیط‌زیست، جایگاه و همچنین تأثیر آن در جوامع انسانی برداشت‌های متعددی شده است. از جمله اینکه محیط‌زیست به‌عنوان موجودی خطرناک، آشفته، بی‌نظم و بلهوس و یا به‌مثابه پدیده‌ای منظم، امری جدا از انسان، ماشین، به‌صورت کالایی در خدمت انسان، ضرورت بقا و به‌عنوان امری مرموز و عجیب و نظایر آن ... توصیف گردیده است (فهیمی، ۱۳۸۷، ص. ۲). به‌طورکلی محیط‌زیست عبارت است از محیطی که فرایند حیات را فراگرفته و با آن برهم‌کنش دارد و از طبیعت، جوامع انسانی و نیز فضاهایی که با فکر و به دست انسان ساخته شده‌اند، تشکیل یافته است و کل فضای زیستی کره زمین، یعنی زیست‌کره (بیوسفر) را فرا می‌گیرد (سلطانی، ۱۳۷۱، ص. ۱).

در عصر حاضر اثر یک رفتار مخرب زیست‌محیطی در یک مکان و زمان معین می‌تواند تأثیرات ناخواسته فراوانی در سایر مکان‌ها و زمان‌ها داشته باشد و تأثیرات و صدمات جبران‌ناپذیری بر اکوسیستم‌های آینده و بر زندگی نسل‌های فردا بر جای بگذارد. در چنین شرایطی دستیابی به توسعه پایدار ناممکن به نظر می‌رسد، چرا که رابطه بین توسعه پایدار و محیط‌زیست یک رابطه دوسویه است و غفلت از محیط‌زیست مانع از دستیابی به اهداف توسعه می‌شود (گراوندی و افشارزاده، ۱۳۹۰، ص. ۶۸). در واقع استفاده مطلوب‌تر از محیط‌زیست در کشور می‌تواند ضامن ماندگاری باشد و عدم توجه به آن می‌تواند متضمن مسائلی باشد که مجموعه برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور را با مخاطره روبه‌رو سازد. از این‌رو درک درست و آگاهی از نقش عوامل بازدارنده و کاستن از میزان آن‌ها در مقابل تقویت عوامل مشوق می‌تواند به موفقیت در امر حفاظت از محیط‌زیست بی‌انجامد (هاروی^۱، ۱۹۹۵، ص. ۱۵). در این راستا، راهبردهای زیست-محیطی در برنامه‌ریزی روستایی، سازمان بخشیدن به فعالیت‌ها و سازمان‌دهی امور مربوط به منابع طبیعی باهدف حفاظت و تقویت محیط‌زیست در بعد زمان و در چارچوب پایداری زیست‌محیطی روستاها تلقی می‌گردد. از آنجاکه محیط‌زیست بسیاری از روستاها با تهدیدات شدیدی از قبیل گسترش بیابان، تخریب جنگل‌ها و مراتع، تغییر کاربری اراضی زراعی، پایین رفتن سطح سفره‌های آب زیرزمینی، رانش زمین و غیره مواجه‌اند (گراوندی و افشارزاده، ۱۳۹۰: ۶۸)، صاحب‌نظران و

متصدیان برنامه‌ریزی روستایی را بر آن داشت که در بین عوامل محرک و بسترساز برنامه‌های اقدام برای توسعه پایدار روستایی، به عامل ادراک و آگاهی ساکنان مناطق روستایی از محیط پیرامون خود توجه داشته باشند. لذا امروزه اغلب پارادایم‌های جدید توسعه پایدار روستایی بر اهمیت نقش آموزش‌های مبتنی بر آگاه‌سازی روستاییان و نیز بر دسترسی برابر افراد روستایی به منابع اطلاعاتی تأکید دارند و راهبرد مناسب برای این منظور را نیز، اکثریت غالب رهیافت‌های ترویجی اطلاع‌رسانی می‌دانند (فاضل‌نیا و رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۸۴: ۱۱۲).

پیدایش آگاهی‌های زیست‌محیطی به اواخر دهه ۱۹۶۰ در کشورهای غربی برمی‌گردد. این آگاهی‌ها منحصرأً مختص کشورهای غربی بود؛ اما افزایش آگاهی‌های زیست‌محیطی در سطح جهان در دهه ۱۹۸۰ می‌باشد، یعنی زمانی که جنگ سرد به پایان رسید و مشکلات زیست‌محیطی تهدید جدید جهانی برای حیات انسان بود (درسنر^۲، ۱۳۸۴: ۶۹). یکی از پیش‌فرض‌های اساسی در مطالعات محیط‌زیست این است که بسیاری از مشکلات زیست‌محیطی را می‌توان با افزایش آگاهی عمومی در مورد محیط‌زیست برطرف کرد (صالحی، ۲۰۱۰). به‌عبارت‌دیگر، اعتقاد بر این است که آگاهی زیست‌محیطی کلید حل بسیاری از مشکلات زیست‌محیطی است (بار، ۲۰۰۳، ۲۲۸). از این‌رو از آگاهی به‌عنوان فرایند سازمان‌دهی، تعبیر، تفسیر و ارتباط اطلاعات یاد می‌کنند، که از سوی حواس جمع-آوری می‌شود (محسنی، ۱۳۷۱: ۷-۹). تحصیل آگاهی زیست-محیطی نخستین گام در راه حل مشکلات زیست‌محیطی و رسیدن به پایداری است و اساساً شرط بقای آینده بشریت، آگاهی زیست‌محیطی، توانایی فهم اصول شناخت محیط‌زیست و زندگی کردن بر پایه آن‌ها می‌باشد (کاپرا، ۱۳۸۷: ۲۸۳).

۴. یافته‌های تحقیق

۴.۱. یافته‌های توصیفی

از مجموع ۱۶۰ نفر نمونه آماری، ۴۲/۸ درصد زن و ۵۷/۲ درصد مرد می‌باشند. بیشترین فراوانی مربوط به گروه سنی بالای ۴۰ سال، یعنی معادل ۴۳ درصد و کمترین فراوانی سنی مربوط به گروه سنی ۲۵-۲۰ سال معادل ۱۴/۵ درصد می‌باشد. همچنین بیشترین فراوانی سطح تحصیلات، مربوط به تحصیلات دوره راهنمایی معادل ۳۰/۸ درصد و کمترین فراوانی مربوط به روستاییانی است که دارای تحصیلات فوق‌دیپلم به بالا بوده‌اند معادل ۸/۸ درصد می‌باشد. بیشترین فراوانی نوع